**مطلب شصت وهفتم**

 **\_ ١تأثیر کلمهٴ که لله گفته شود**

قوله تعالی : " لوجه الله تکلم کنید کلمهٴ که لله از سماء قلب حرکت نماید و از افق لسان اشراق کند البته مؤثر خواهد بود از تأثیرات اعمال غافل نباشید لعمر الله اگر نفسی بتأثیرات اعمال و اقوال طیبه و خبیثه مطلع شود ابدا بهیچ مکروهی التفات ننماید و جز خیر محض و معروف صرف از او ظاهر نشود از سطوت علمای جاهل خائف نباشید و از ثروت دنیا مسرور نگردید زود است قضای مبرم الهی هر دو را اخذ نماید و فانی سازد . "

 **\_ ٢مصائب هیکل مبارک**

قوله تعالی : " ... گردنی را که در میان پرند و پرنیان سربلند فرمودی آخر در غل‌های محکم بستی و بدنی را که بلباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلت خاک حبس مقرر داشتی قلدتنی قضائک قلائد لا تحمل و طوقتنی باطواق لا تفک چند سنه میگذرد که ابتلا بمثل باران رحمت تو در جریانست و بلایا از افق قضا ظاهر و تابان ... بسا شبها که از گرانی غل و زنجیر آسوده نبودم و چه روزها که از صدمات ایدی و السن آرام نگرفتم چندی آب و نان که برحمت واسعه بحیوانات صحرا حلال فرمودی بدین بنده حرام نمودند و آنچه را بر خوارج جایز نبود بر اینعبد جایز دانستند تا آنکه عاقبت حکم قضا نازل شد و امضا بخروج این بنده از ایران در رسید با جمعی از عباد ضعیف و اطفال صغیر در این هنگام که از شدت برودت امکان تکلم ندارد و از کثرت یخ و برف قدرت بر حرکت نیست بعضی از اطفال صغیر از مفارقت احباب آیات فراق قرائت مینمایند و برخی بعلت یأس از وطن ودیار کتململ السلیم ناله میکنند و در بیابان حیرت سرگردان میگردیم و در صحراهای حسرت رجای ترا میطلبیم که شاید نسیم رحمت تو آید و احسان قدیم تو در رسد .. "